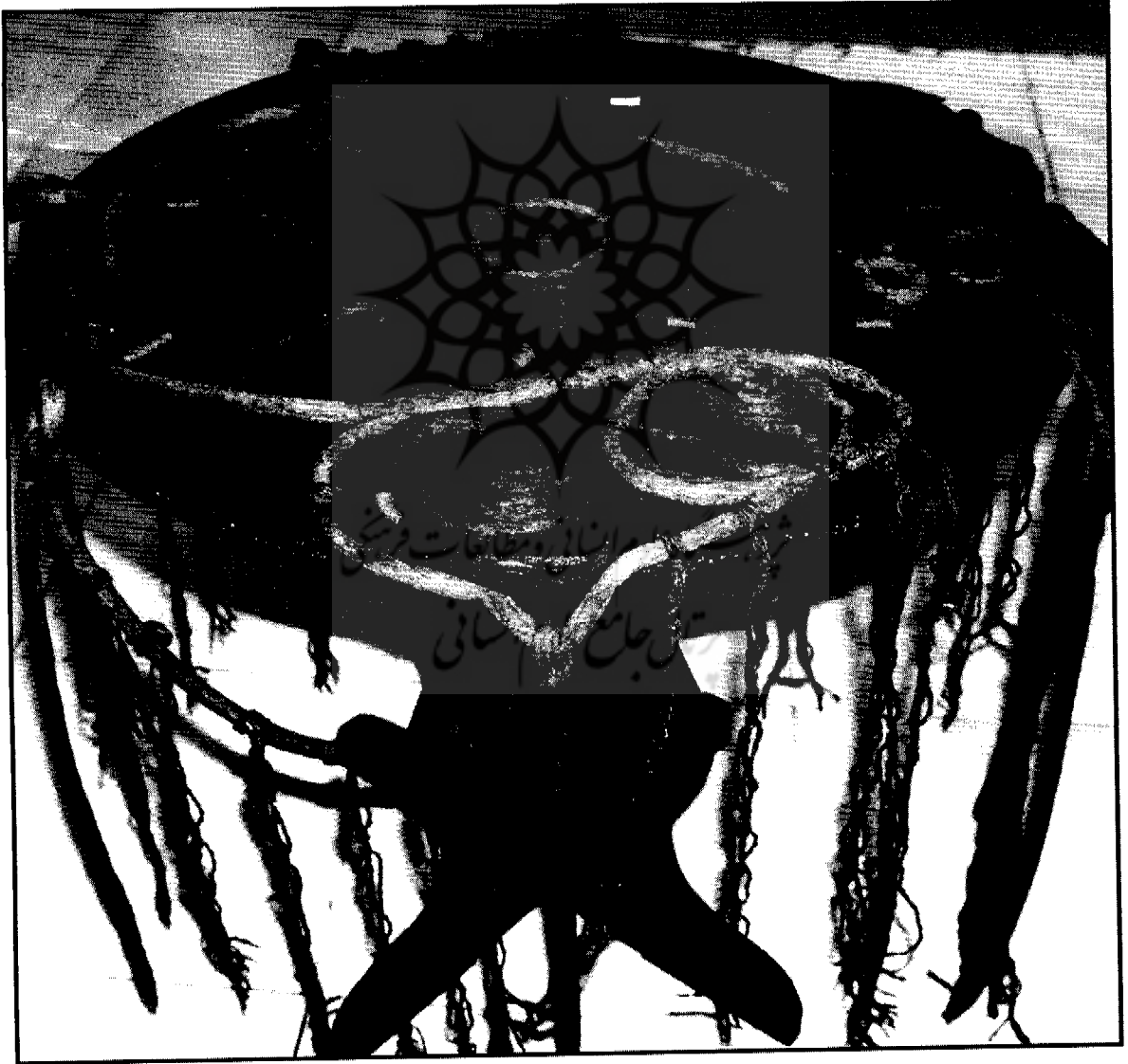
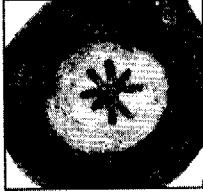


گلستانه



نگاهی به آثار صنایع دستی سارا قلندری - گالری آرته

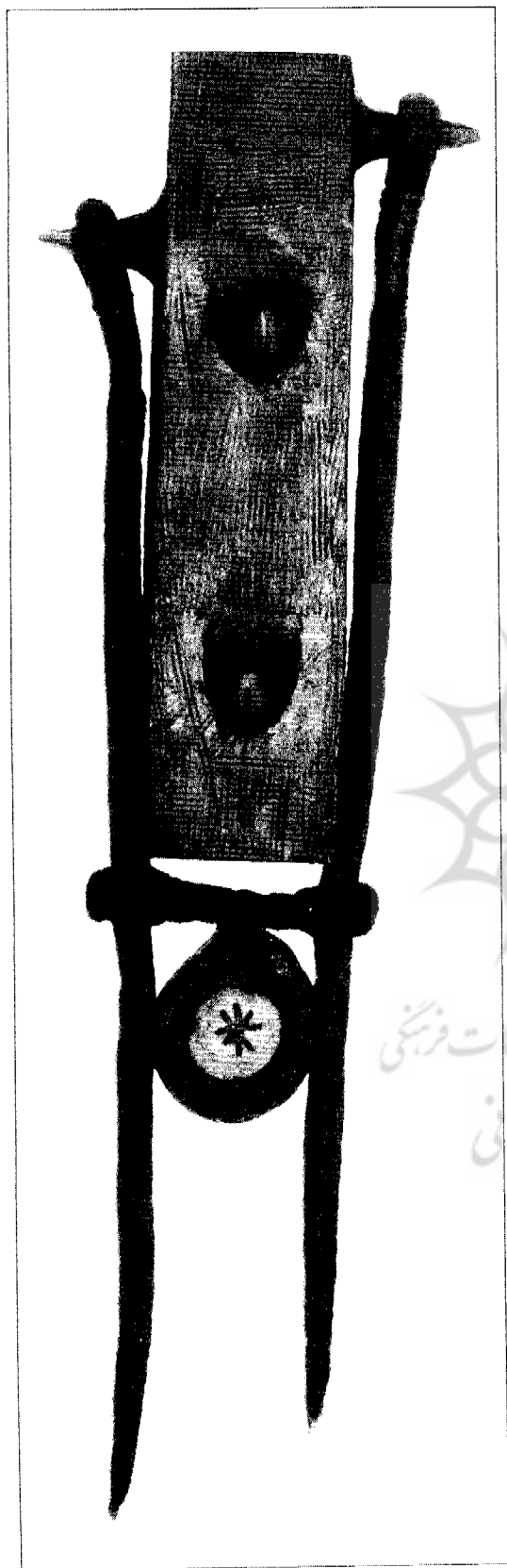
نگاه نو؛ ریشه‌های کهن

صنایع دستی در کلیه جوامعی که از این «هنر - صنعت» برخوردارند، هرچند از انواع فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود، اما آمیختگی آن با سنن و عادات و همچنین تأثیرات جغرافیایی و اقلیمی جایگاه آن را از فرآورده‌های دست‌ساز متمایز می‌کند، زیرا صنایع دستی هم دارای ویژگی‌های مصرفی و هم هنری و یا هردو با هم است.

تنوع اوضاع اقلیمی، منجر به شیوه‌های گوناگونی از فرهنگ و زندگی در میان

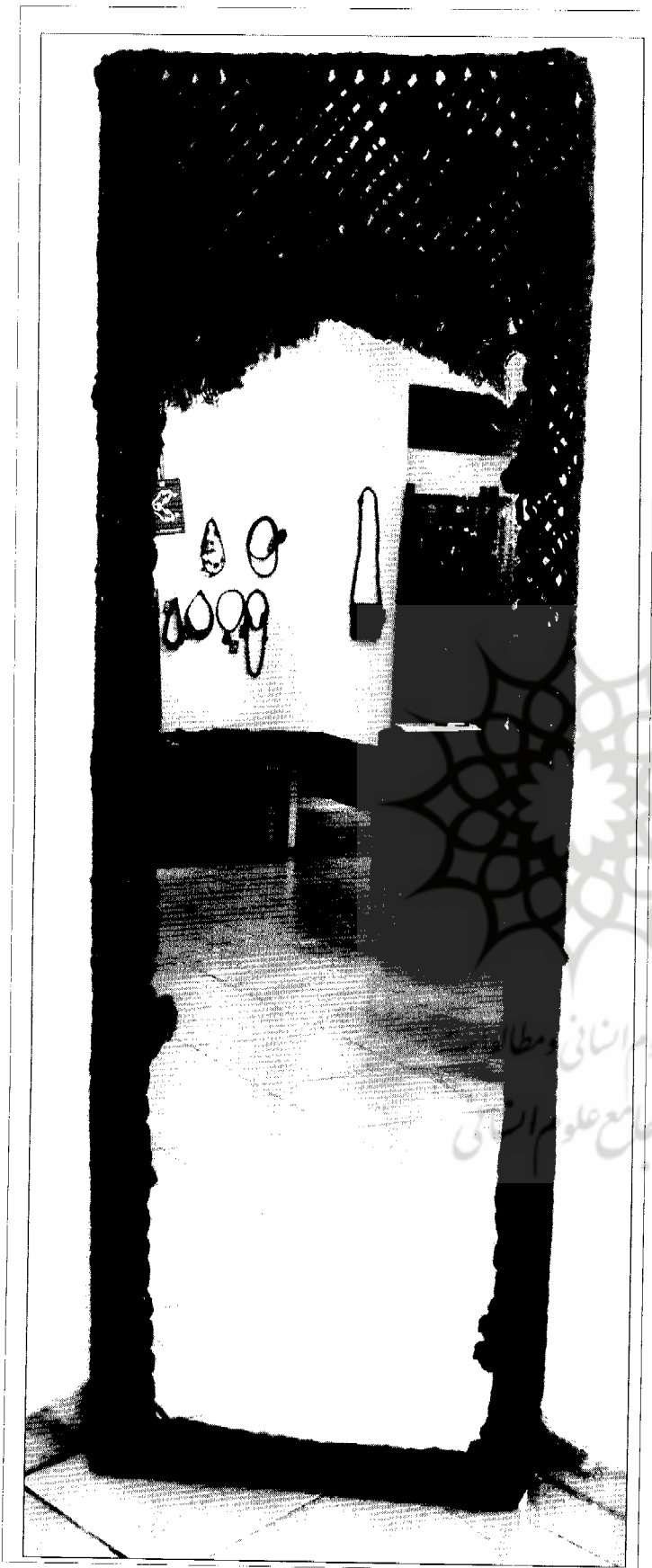
هنرها





مناطق مختلف ایران شده است. در این میان، تولیدات عشایر در مقایسه با محصولات مشابهی که در جوامع شهری و روستایی ساخته می‌شود، اصالت بیشتری دارد. زیرا کمتر در مسیر مبادلات تجاری مرسوم در شهرها قرار دارند، در نتیجه فرهنگ و فولکلورشان دست نخورده‌تر باقی می‌ماند. یکی از ویژگی‌های آثار سارا قلندری، استفاده از تزئین و نقوش کاملاً ذهنی است. عدم استفاده قلندری از طرح و نقشه از پیش آماده، یکی از شباهت‌های ماهوی آثار این هنرمند جوان با صنایع دستی عشایری است. بافندگان عشایری نیز هرگز از نقشه استفاده نمی‌کنند، مگر برحسب تفنن یا به قصد تولید محصولی شبیه به فرآورده یکدیگر. و یا احياناً سفارشی از مشتری دریافت کنند که مستلزم اجرای طرح و نقش پیشنهاد شده مشتری باشد.

ناهمانندی و عدم تشابه یکی از ویژگی‌های آثار سارا قلندری است. این ویژگی را او از عشایر نیاموخته است. بلکه ذات این نوع از هنر این‌گونه است. به عبارت واضح‌تر، هرگاه نقوش از ذهن الهام گرفته شده باشند و قصد از انجام کار، نه



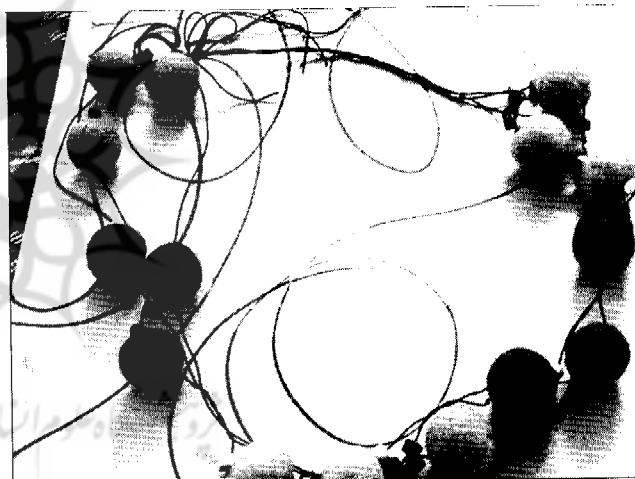
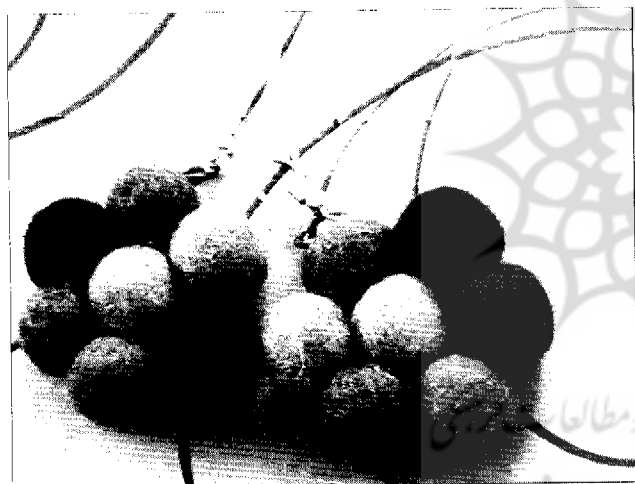
فعالیت هدفدار اقتصادی، بلکه نوعی بازی و غرق شدن در خیال و مرئی ساختن فکر و ایده به وسیله بافته‌ها، پارچه‌ها و رنگ‌ها رخ دهد، حاصل کار حتماً حالتی یگانه و ناهمانند پیدا می‌کند. تنوع و گونه‌گونی در صنایع دستی آن قدر زیاد است که اگر یک هنرمند جوان و شهری که هرگز حتی یک نمدمال را نیز از نزدیک ندیده و با امکاناتی مثل کتاب یا اینترنت با ذوق و اصالت هنری صنایع دستی آشنا شده است. تا سال‌ها می‌تواند از گنج عظیم هنر اقوام و عشایر بهره بگیرد. انواع بافته‌ها، پارچه‌ها، زیراندازها، روانداها و... که توسط اقوام مختلف و عشایر ایرانی ساخته می‌شود، از چنان اصالت و زیبایی برخوردار است که مدرن‌ترین مزون‌های پاریس در مقابل آن‌ها در کسری از ثانیه از سکه می‌افتد. اصلاً، اهمیت صنایع دستی در همه جای دنیا، پس از انقلاب صنعتی بیشتر نشاخته شد. بدین معنا که تولید دستی که در تعداد محدود و

آمیخته با روح و حس انسانی همراه بود، پس از انقلاب صنعتی به تولید انبوه و آمیخته با روح و حس ماشینی تبدیل گردید.

ماشین و تولید انبوه، بسیاری از مشاغل دستی یا نیمه دستی را از صحنه زندگی به حاشیه راند و ای بسا کاملاً از میان برد. زیرا، در منطق ماشینی جدید، بسیاری از کالاها با قیمت ارزان تر و تعداد بیشتر به دست مردم می‌رسید. اما، تولید ماشینی کالاهای مصرفی، با روح انسانی چندان هماهنگ نیست. به همین دلیل است که امروزه، دست زدن به تولید دستی کالاهای مصرفی، که هیچ شباهتی با محصولات یکسان، تکراری و انبوه ماشینی ندارد، همچون نغمه‌ای تازه و نت متفاوتی تار وجود انسان را به ارتعاش درمی‌آورد.

انسان خو کرده با ماشین، قدر و قیمت یک اثر تک و ناهمانند، دست ساز، غیرماشینی کج و معوج را می‌داند.

در چنین شرایطی است که آثار سارا قلندری همچون تنوعی غیرمنتظره به





چشم می‌آید. او گام نخست را درست برداشته است. با مطالعه بیشتر در فرهنگ و فولکلور ایرانی، می‌توان چشم انتظار آثار جذاب‌تری از او باشیم.

پس از انقلاب صنعتی و تبدیل «دست ساز» به «ماشینی»، یا به تعبیری «ستی» به «صنعتی»، بسیاری از تولیدات ماقبل انقلاب صنعتی را در معرض اضمحلال قرار داد، مگر آن دسته از صنایع دستی که جنبه هنری آن‌ها بر جنبه کاربردی‌شان غلبه داشت، مانند قالیبافی، حکاکی، پارچه‌بافی، نمد، گلیم و...

نکته حائز اهمیت در رویکرد هنرمندانه و تجربی سارا قلندری، گرایشی توأم با خلوص او، فارغ از هیاهوی بازار یا سلیقه‌های حاکم بر جریانات هنری است. سارا قلندری، قدم به قدم و آهسته دست به کاری زده که می‌توان انتظار داشت، مراجع مرتبط با تولیدات این‌چنینی، جوانان هنرمندی چون او را کشف کرده تا ضمن حفظ اصالت‌های فرهنگی، روح نوجوی آن‌ها بتواند ذائقه نسل‌های جدید را نیز تأمین کند.

□



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران